

نشریه ایرانی مطالعات شهروندی

سال اول، شماره دو/ زمستان ۱۴۰۲ / صفحه ۱۲۱-۱۴۴

نوع مقاله: علمی پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر میزان گرایش به طلاق در بین زنان متأهل شهر قزوین

موسی سعادت^۱

چکیده

خانواده یک نهاد اجتماعی اولیه و حیاتی، و واحدی عاطفی است که هویت فرد در آن شکل می‌گیرد. روابط مناسب درون جامعه بر اساس روابط درون خانواده تعیین می‌شود و هراندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است. در این راستا هدف مطالعه حاضر، بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر میزان گرایش به طلاق در بین زنان متأهل شهر قزوین است. روش تحقیق به‌کاررفته در پژوهش حاضر، توصیفی پیمایشی بوده و جامعه آماری پژوهش حاضر شامل همه زنان متأهل شهر قزوین به تعداد ۱۳۴۵۹۱ نفر است، که از این تعداد ۳۸۳ نفر به‌عنوان نمونه نهایی بر اساس فرمول کوکران انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته است. برای برآورد اعتبار و پایایی ابزار نیز به‌ترتیب از اعتبار صوری و روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. همچنین تجزیه و تحلیل تمام اطلاعات به‌دست‌آمده با نرم‌افزار SPSS انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داد که همبستگی بین متغیر روابط فرازناشویی مجازی و هرزه‌نگاری مجازی با متغیر گرایش به طلاق مورد تأیید واقع شد. نتیجه تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره نیز نشان داد که ۲۹/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای روابط فرازناشویی مجازی و هرزه‌نگاری اینترنتی تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی، روابط فرازناشویی مجازی، هرزه‌نگاری اینترنتی، گرایش به طلاق.

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران، m.saadati@soc.ikiu.ac.ir

۱. مقدمه

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادها در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و از اهمیت والایی برخوردار است. هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم، نمی‌تواند ادعای سلامتی بکند و هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده‌اند (قدرتی، ۱۳۹۵: ۱۵۰-۱۵۱). در بین نهادهای اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت و هویت اجتماعی فرهنگی انسان‌ها اعم از آموزش و پرورش، حکومت، دین، رسانه‌های جمعی و... به‌جرت می‌توان ادعا نمود که نقش خانواده، نقشی بی‌بدیل و غیرقابل جایگزین است. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند از پیچ‌های سخت و طاقت‌فرسای رشد و توسعه عبور کند، مگر آنکه از خانواده‌ای پویا و توانمند برخوردار باشد (جعفری و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۰). یکی از پدیده‌های مهم اجتماعی که منشأ آن به خانواده بازمی‌گردد ولی آثار آن علاوه بر خانواده متوجه کل جامعه می‌گردد، پدیده طلاق است. چنانچه به نهاد خانواده، به‌عنوان سیستمی اجتماعی که عناصر درونی آن دارای همبستگی است، خللی وارد شود، این مسئله می‌تواند به انسجام و همبستگی کل جامعه و بر پیکره اجتماع نیز آسیب‌های فراوانی وارد نماید (عنایت و همکاران، ۱۳۹۲: ۲)؛ به‌گونه‌ای که حاصل آن خانواده‌ای از هم گسیخته است که موجب ایجاد بسیاری از معضلات اجتماعی مانند کودکان و زنان بی‌سرپرست، فرار کودکان از خانه و افزایش سایر بزهکاری‌ها می‌گردد (حسنی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۴). در دوره پنج‌ساله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ آمار طلاق در ایران از ۹۴ هزار به ۱۴۳ هزار نفر افزایش یافت و در سال ۱۳۹۲، این آمار به بیش از ۱۴۴ هزار نفر رسید. در سال ۱۳۹۲، میزان طلاق‌ها ۳/۴ درصد نسبت به سال ۱۳۹۱ افزایش یافت که ۱۴/۲ درصد طلاق‌ها مربوط به سال اول زندگی و حدود ۵۰ درصد طلاق‌ها مربوط به پنج سال اول زندگی بوده است. در سال ۱۳۹۲، به‌طور متوسط در ازای هر ۵ ازدواج، یک طلاق و در مقابل هر ۱۰۰ ازدواج، ۲۰/۱ طلاق به ثبت رسیده است (طریقی، ۱۳۹۷: ۸۹). جامعه ایران مانند بسیاری از جوامع ارزشی در دوران گذار از سنت به مدرنیته در مواجهه شدن با فرایند جهانی شدن و با ورود به عصر اطلاعات و ارتباطات، با چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی نوظهوری مواجه است؛

بخشی از این چالش‌ها و آسیب‌ها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به ظهور و توسعه رسانه‌های نوین بازمی‌گردد (اسکندری و درودی، ۱۳۹۵: ۳). در استان قزوین نیز ثبت ۲۳۱۱ طلاق در سال ۱۳۹۰، ۲۵۷۴ طلاق در سال ۱۳۹۳، ۲۶۶۷ طلاق در سال ۱۳۹۴، ۲۸۸۰ طلاق در سال ۱۳۹۵، ۲۹۸۳ طلاق در سال ۱۳۹۶ و ۲۷۸۴ طلاق در سال ۱۳۹۷، نشان از افزایش سالانه میزان طلاق در این شهر دارد که این میزان در میانه سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۷، با کاهش ۲ درصدی همراه بوده است (سالنامه آماری، ۱۳۹۷). از بین انواع مختلف فناوری‌ها و رسانه‌ها در دو دهه اخیر، ماهواره و فضای مجازی بیش از عوامل دیگر، عامل تغییرات و انحرافات اجتماعی بوده‌اند. به دلیل ضعف سواد رسانه‌ای در کشور، خانواده‌های ایرانی، به شکل مضاعفی در معرض آسیب‌های نوپدید حاصل از این رسانه‌ها قرار گرفته است. خانواده ایرانی، از جمله مهم‌ترین کانون‌هایی است که فضای مجازی، ساختار سنی آن را تغییر داده است. تغییر در نظام ارزشی حاکم بر جامعه و به تبع آن خانواده‌های ایرانی، بعد از پایان جنگ تحمیلی و به موازات گسترش رسانه‌هایی مانند ویدئو خانگی، به تدریج آغاز و در دهه هشتاد و نود، به ویژه هم‌زمان با ورود و گسترش فناوری‌هایی نوین همانند ماهواره و اینترنت بر شدت آن افزوده شد (اسکندری و درودی، ۱۳۹۵: ۳-۳).

در سال‌های اخیر، تعداد کاربران اینترنتی به‌طور شگفت‌انگیزی روبه‌رشد است و فناوری‌های اینترنتی، فضای سایبری و شبکه‌های اجتماعی به‌صورت روزافزون، افراد بیشتری را درگیر خود کرده است. این وسایل ارتباطی، قسمت زیادی از زندگی روزانه افراد را دربرمی‌گیرد و به دنبال آن، کیفیت زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار داده است و نگرانی‌هایی به همراه دارد. از منظر جامعه‌شناسی، ازدواج و طلاق پدیده‌های ارتباطی هستند و در هر ارتباطی عنصر اساسی، اعتماد متقابل است؛ ایجاد اعتماد در نبود ارتباط، بی‌معناست و بدون وجود اعتماد نیز ارتباط تداوم نمی‌یابد. اهمیت این مسئله به‌حدی است که در تحقیقات انجام‌شده در سال‌های اخیر، درباره علل و عوامل مؤثر بر طلاق بسیار زیاد به عواملی مثل نبود اعتماد ناشی از افترا، تهمت، بدبینی، سوءظن و کاهش اعتماد میان زوجها اشاره شده است که فضای آنلاین به افزایش این عوامل منجر می‌شود. بی‌تردید

وفاداری، بستر شکل‌گیری اعتماد به شمار می‌رود، اما بودن فضایی که هیچ‌گونه محدودیت و قیدوشرطی ندارد، به خیانت و نداشتن وفاداری می‌انجامد (بیکانیان و فرهادی، ۱۳۹۶: ۸۲). از جمله نتایج این بی‌اعتمادی می‌توان به شکل‌گیری هرزه‌نگاری اینترنتی و ایجاد روابط فرازناشویی اینترنتی اشاره کرد. هرزه‌نگاری عبارت است از مجموعه‌ای از رفتارهای مجرمانه که شامل تولید، ارائه، انتشار و مورد معامله قرار دادن محتویات نوشتاری، شنیداری و دیداری اعم از تصویر، نوشته و صوت می‌شود که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار می‌سازد (صالح‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲). واژه هرزه‌نگاری از واژه‌های یونانی (پورنو) و (گرافی) اخذ شده که به معنای توصیف فعالیت روسپی‌هاست. دیکشنری آکسفورد نیز، کتاب، فیلم یا هر چیزی که برای ایجاد هیجان و تحریک جنسی، افراد را به شکلی آزاردهنده و نامطلوب در اعمال جنسی تصور و توصیف کند، در معنای پورنوگرافی آورده شده است. همچنین مطالبی که دربرگیرنده یک علاقه شدید (وقیح، هولناک، بی‌شرمانه یا شهوانی) جنسی‌اند و ارتباط جنسی را به شیوه‌ای آزاردهنده و آشکار توصیف کرده و به‌طور کلی از نظر ادبی، سیاسی، علمی و هنری هیچ ارزشی ندارند، در زمره تعریف هرزه‌نگاری قرار می‌گیرند (مختاری و ملک‌احمدی، ۱۳۹۶: ۷۲). علاوه بر این، خیانت زناشویی به هرگونه رابطه جنسی یا عاطفی فراتر از چارچوب رابطه متعهدانه بین دو همسر اطلاق می‌شود (شریفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۲۶). تعارضات زناشویی و روابط فرازناشویی تهدیدهایی جدی برای واحد زناشویی هستند که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش می‌کشند و باعث بروز پیامدهای روانی، اجتماعی، جسمانی و اقتصادی می‌شوند. روابط فرازناشویی هنگام ارتباط با شخص دیگری غیر از همسر صورت می‌گیرد که با صمیمیت عاطفی، رابطه جنسی و پنهان‌کاری مشخص می‌شود و وجود هر سه مؤلفه ذکر شده در این رابطه ضروری است (عبدالملکی و اعظم‌آزاد، ۱۳۹۳: ۲). با توجه به مباحث مذکور، تحقیق حاضر درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر انجام شده است: میزان گرایش به طلاق در بین زنان متأهل شهر قزوین در چه حدی است؟ شبکه‌های اجتماعی مجازی چه تأثیری می‌تواند بر گرایش به طلاق در بین زنان متأهل شهر قزوین داشته باشد؟

۲. پیشینه نظری

۲-۱. شبکه‌های مجازی

مفهوم شبکه‌های اجتماعی نخستین بار در سال ۱۹۴۰ در انسان‌شناسی توسط براون^۱ معرفی شد؛ سپس در اواسط دهه ۱۹۵۰ این مفهوم توسط بات و بارنز^۲ مورد استفاده قرار گرفت (پوری و عقیلی، ۱۳۹۰: ۲۹). شبکه اجتماعی سرویس‌های مبتنی بر وب است که این امکان را برای افراد فراهم می‌کند تا توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند یا با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منابع خود را با آن‌ها به اشتراک بگذارند و از میان توصیفات عمومی یکدیگر برای یافتن اتصالات جدید استفاده کنند (عدلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۵). مک لوهان^۳ معتقد است جوامع بشری تحت تأثیر ماهیت رسانه‌هایی هستند که در آن جوامع غالب‌اند. بنابر نظریه ارتباطات، رسانه‌ها (اعم از دیجیتال، چاپی، اینترنتی و ماهواره‌ای) به شدت نظام ارزشی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مورد تأثیرات فناوری به صورت عام و رسانه به صورت ویژه، دو دیدگاه کلان وجود دارد: نخست آنکه فناوری به لحاظ فرهنگی-ارزشی، خنثی است و به مثابه یک ابزار توسط انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد. دوم آنکه فناوری، خنثی نیست و در دل خود، فلسفه و ایدئولوژی‌هایی را نهفته دارد. در دیدگاه نخست، اقتدار آدمی بر فناوری مورد تأکید است و فناوری را ابزاری نمی‌داند که صرفاً با هدف خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما در دیدگاه دوم، نقش فناوری قوی‌تر است؛ در این دیدگاه، فناوری‌ها (که رسانه هم جزو آن به شمار می‌رود)، از طریق شکل و محتوا بر مخاطب تأثیر می‌گذارد. تأثیر از طریق محتوا تا حد زیادی روشن و قابل درک است، اما تأثیر از طریق شکل بدین معناست که فناوری‌ها از هر نوعی که باشند، خنثی نیستند و صرف‌نظر از محتوایی که منتقل می‌کنند و مستقل از آن، اثراتی را به جا می‌گذارند. خنثی نبودن رسانه و تأثیر غالب رسانه بر هویت کاربران آن، یکی از دستاوردهای مهم مک لوهان است. به نظر وی، رسانه

1. Brown
2. Bot & Borens
3. Mac Iohan

پیام است و مهم‌ترین اثر رسانه این است که بر عادات درک و تفکر ما تأثیر می‌گذارد (اسکندری و درودی، ۱۳۹۵: ۳-۴).

مک لوهان استدلال می‌کند که رسانه‌های هر عصر، ماهیت جامعه آن عصر را تعیین می‌کنند. از نظر مک لوهان، پیشرفت هر جامعه‌ای هم‌زمان با رشد فناوری بوده است. جوامع انسانی از رسانه‌ها و فناوری اثر پذیرفته و بر آن‌ها اثر نهاده‌اند. وی رسانه‌های ارتباطی را عصاره تمدن می‌داند و معتقد است که تاریخ از طریق رسانه‌های غالب در هر عصر و زمانی هدایت می‌شود. رسانه‌ها آنچه را در یک دوره تاریخی اتفاق می‌افتد و بااهمیت به نظر می‌رسد، تعیین می‌کنند. طبق نظر مک لوهان، فناوری یا ارتباطات، جهان را به صورت یک دهکده جهانی درآورده است. امروزه اینترنت تعداد زیادی از دهکده‌های جهانی با اجتماعات مجازی را به وجود آورده که فاقد محدودیت مکانی و زمانی هستند (همان). یکی از مهم‌ترین تلاش‌های نظری برای بررسی تأثیر رسانه‌ها در تغییرات سیاسی و اجتماعی، مفهوم حوزه عمومی است که هابرماس^۱ طرح کرده است. حوزه عمومی در واقع، ایده یا مفهومی هنجاری است که در چارچوب کلی نظریه هابرماس درباره کنش ارتباطی و اخلاق گفت‌وگو جای دارد. از دیدگاه هابرماس، حوزه عمومی بخشی از حیات اجتماعی است که در آن شهروندان می‌توانند به تبادل نظر درباره موضوعات و مسائل مهم مربوط به خبر عمومی پردازند. نتیجه این امر، شکل‌گیری افکار عمومی است. مقصود از حوزه عمومی، قبل از هر چیز قلمرویی از زندگی اجتماعی است که در آن، آنچه به افکار عمومی منجر می‌شود، می‌تواند شکل بگیرد. یکی از موضوعات مهم در حوزه عمومی، ابزارهای ارتباطی عمومی است. از دیدگاه هابرماس، از آنجا که محدوده جامعه جدید، فقط امکان حضور فیزیکی تعدادی به نسبت اندکی از شهروندان را امکان‌پذیر می‌سازد، رسانه‌های همگانی به نهادهای اصلی حوزه عمومی تبدیل شده‌اند. در صورت گسترده بودن حوزه عمومی، ارتباط و مفاهیم میان افراد، مستلزم ابزار معینی برای پراکنش و انتشار عقیده و اثرگذاری است. ابزارهای ارتباطی حوزه عمومی، به دو بخش اطلاعات و رسانه‌ها

1. Huber moss

تقسیم می‌شوند. رسانه‌ها، امکان برقراری ارتباط را مهیا می‌سازند و اطلاعات موجود را به اشتراک نظر می‌گذارند بر این اساس، در عصر اطلاعات مهم‌ترین رسانه، فناوری ارتباطات و اطلاعات است که تحولات بنیادین در تمامی ابعاد قلمروهای نوین حیات بشری ایجاد کرده است (خدایاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۳-۱۷۵).

کازنو^۱ درباره قدرت وسایل ارتباط جمعی بیان می‌دارد که این اندیشه در نظر مردم رواج یافته است که وسایل ارتباط جمعی قدرتی فوق تصور دارند و می‌توانند افکار فلسفی و سیاسی را منقلب نموده و شکل تازه‌ای بدان بخشند و به‌اختیار، تمامی رفتارها را هدایت نمایند. در این صورت انسان‌ها خود به‌عنوان عاملی در راه حفاظت از موراثت، هنجارها و قوانین جامعه تجلی می‌کنند و وسایل ارتباط جمعی سریع، قدرتمند و مؤثر در تأمین این منظور لازم‌اند (مروت و دهقان، ۱۳۹۷: ۴). با استفاده از نظریه ساخت‌یابی گیدنز^۲ می‌توان استنباط کرد که شبکه اجتماعی محصول و مخلوق کنش معنادار آدمیان است و افراد چنین محیطی را خلق کرده‌اند. اما این محیط پس از شکل گرفتن محدودیت‌هایی را بر عاملان اعمال می‌کنند. ساختار شبکه اجتماعی براساس بازتولید یا تکرار همان رفتار مداوم آدم‌ها دوام می‌یابد. افراد در رویارویی با شبکه اجتماعی برخلاف سایر رسانه‌های متعارف، صرفاً در رده تولیدکننده یا مصرف‌کننده قرار نمی‌گیرند، بلکه می‌توانند در صورت تمایل به‌طور هم‌زمان این دو نقش را داشته باشند و در آن به تولید و بازتولید بپردازند. اما افراد در برخورد با این ساختار، میزان مشارکت و فعالیت متفاوتی دارند. در واقع هرچه افراد در مواجهه با شبکه اجتماعی، فعالیت و مشارکت بیشتری داشته باشند و هرچه این فعالیت بازتابانه‌تر باشد، در تولید معنا سهیم‌اند؛ اما هرچه افراد در مواجهه با شبکه اجتماعی فعالیت و مشارکت کمتری داشته باشند و هرچه این فعالیت غیربازتابانه‌تر باشد، در بازتولید معنا مؤثر است (نشاط و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۶-۵۵).

1. Kazeno
2. Gidens

۳. طلاق

طلاق از نظر لغوی به معنای رها شدن بوده و در اصطلاح عبارت است از پایان دادن زندگی زناشویی توسط زوجین و انحلال قانونی پیوندهای زناشویی که با مراجعه به مراجع شرعی و قانونی صورت می‌گیرد. طلاق به عنوان یکی از حالات ازهم‌گسیختگی خانواده از اهمیت بالایی در بررسی‌های اجتماعی برخوردار است (عبداللهی، ۱۳۹۸: ۲۹). طلاق در اصطلاح شرعی به معنای زایل کردن و از بین بردن عقد نکاح با صیغه مخصوص آن است. طلاق در حقوق نیز با اقتباس از شرع چنین تعریف می‌شود: انحلال رابطه زناشویی در عقد نکاح دائم، خواه به قصد و رضای زوج باشد، خواه به وسیله نماینده قانونی زوج، مانند طلاق دادن زوجه مجنون دائمی به وسیله ولی و... (هندی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۳). طبق نظریه کنترل اجتماعی، طلاق زمانی شکل می‌گیرد که نهادها و پیوندهای کنترل‌کننده جامعه، دیگر از توان کافی برخوردار نباشند. این دیدگاه معتقد است که انسان‌ها موجوداتی عقلانی هستند که در جهت حداکثر ساختن منافع خود عمل می‌کنند، مگر اینکه از طریق کنترل اجتماعی توان این کار از آن‌ها سلب شود. بروس کوئن معتقد است این یک واقعیت است که میزان طلاق در جوامع نوین افزایش یافته است، این وضعیت از جامعه و ارزش‌های متغیر ما سرچشمه می‌گیرد، نه از گسیختگی و تباهی خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی. امروزه از کارکردهای خانواده در گذشته کاسته شده است و زن و شوهر برای تأمین نیازمندی‌ها و خدمات خود به خانواده متکی نیستند و گسست پیوند زناشویی، آن‌هم در یک محیط زناشویی ننگ نیست (عنایت و همکاران، ۱۳۹۲: ۹). براساس نظریه آنومی در شرایطی که جامعه دچار هرج و مرج اجتماعی می‌شود، بین ارزش‌های اجتماعی تضاد ایجاد می‌گردد و یا اینکه ارزش‌ها در حال دگرگونی هستند و نظم اجتماعی از بین می‌رود، اگر به زودی نظم اجتماعی شکل نگیرد و ارزش‌های نوین جایگزین نشوند، مشکلات بزرگ و کوچک اجتماعی دامنگیر افراد جامعه خواهند شد. طلاق نیز به مثابه یک مسئله اجتماعی کلان در چنین شرایطی بروز می‌کند. در جوامعی که در حال انتقال از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به وضع و شرایط دیگری هستند،

مشکلاتی پدید می‌آید که نتیجهٔ تصادم نوگرایی و پابندی به سنت‌های دیرین و تشدید جنگ بین نسل‌هاست. در این مرحله، عناصر اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی، بیش از هر چیز دیگر دچار تغییر و تحول می‌شوند. بازتاب این وضعیت را می‌توان در نظام ارزش‌های خانواده مشاهده نمود؛ اما از آنجاکه سرعت حرکت هر فرهنگ با حرکت اقتصادی و نوآوری‌های فناوری یکسان نیست، نسل‌هایی که در معرض چنین تحولات سریع اجتماعی قرار می‌گیرند، نمی‌توانند معیارهای همه‌پسندی برای وظیفه، فداکاری و ارزش‌های همانند آن را داشته باشند. در این صورت، کشمکش درون خانواده ایجاد می‌شود و نابسامانی خانواده و طلاق افزایش می‌یابد (همان: ۱۰).

بورديو^۱ عادت‌واره‌های یکسان را باعث تعامل بهتر بین اعضا می‌داند و معتقد است که طلاق بیش از آنکه امری اقتصادی باشد، امری فرهنگی است؛ یعنی فرهنگ درونی‌شده و ضبط‌شدهٔ افراد (عادت‌واره‌ها) بیشتر تولید مشکل می‌کند. بنابراین براساس این نظریه، عادت‌واره‌های متفاوت که خود برخاسته از تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی احتمال ناسازگاری و طلاق را بیشتر می‌کند (سدیدپور و زارعان، ۱۳۹۵: ۲۰۰). از نظر صاحب‌نظران مکتب کارکردگرایی، خانواده نهادی است که بقای آن وابسته به وظایف کارکردهایی است که بر عهده دارد. بر اساس این دیدگاه مهم‌ترین وظیفه و کارکرد خانواده، اجتماعی کردن اولیهٔ افراد و آماده کردن آنان برای پذیرش قواعد زندگی اجتماعی است. علاوه بر این، نهاد خانواده تاکنون تأمین برخی از اساسی‌ترین نیازهای اعضا از قبیل نیازهای عاطفی، تغذیه، نیازهای جنسی و حمایت و پشتیبانی را بر عهده داشته است. در این راستا، پارسونز^۲ بر این باور است که زنان نقش عاطفی را در خانواده ایفا می‌کنند؛ آن‌ها مطیع، شاد، بامحبت و احساساتی هستند. ازسوی دیگر، مردان باید نقش نان‌آور را داشته باشند و کسب درآمد چرخه‌های اقتصاد خانواده را به حرکت درآورند. او نه‌تنها نقش زنان را در عصر حاضر، اساسی و ضروری می‌داند، بلکه هشدار می‌دهد هر تغییری در این نقش‌ها با خطرات زیادی همراه خواهد بود. البته احتمال می‌رود که زنان

1. bordio
2. Parsons

الگوهای مردانه را به منظور احراز شغل در رقابت مستقیم با مردان طبقه خود دنبال کنند. اما این نکته نیز قابل ذکر است که به رغم پیشرفت‌هایی که در آزادسازی زنان از الگوی سنتی خانوادگی صورت گرفته، فقط گروه کمی از آنان در این جهت پیش رفته‌اند. البته روشن است که موقعی می‌توان این امر را کلیت بخشید که در ساخت خانواده تغییراتی اساسی به وجود آید. اعطای فرصت برابر به هر دو جنس با انسجام مثبت خانواده ناسازگار است (حکمت و فخرائی، ۱۳۸۹: ۱۰۶).، الیزابت بات^۱ به‌عنوان یکی از چهره‌های مشهور نظریه شبکه، درجه تفکیک نقش‌های زن و شوهر را با میزان تراکم شبکه‌ای هم‌بسته می‌داند که زوجین بیرون از خانه برای خود حفظ می‌کنند. هرچه ارتباطات ایشان با شبکه‌های خویشاوندی، دوستان و همسایگان نزدیک‌تر و هرچه این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، رابطه زن و شوهر به‌عنوان زوج زناشویی بیشتر تفکیک‌تر شده و تابع سلسله‌مراتب خواهد بود. عکس قضیه نیز مصداق دارد؛ هرچه شبکه‌ها کم‌تراکم‌تر باشند، نقش‌های مردانه و زنانه کمتر نشانگر جدایی و تفکیک هستند. بات این نکته را در قالب فشارهای فرهنگی تبیین می‌کند (همان: ۱۰۷).

پیشینه تجربی

ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود، به بررسی آسیب‌های نوپدید شبکه‌های اجتماعی مجازی در خانواده‌های ایرانی پرداختند. نتایج حاکی از آن است که فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، ظهور اینترنت و گسترش فراگیر شبکه‌های اجتماعی، ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای، تلفن همراه و اینترنت، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر روابط خانوادگی است. ربیعی و رضانیا (۱۳۹۱) در پژوهشی تأثیر چت‌روم‌ها بر تجربیات سکس مجازی در بین کاربران اینترنتی را نشان دادند. یافته‌های آنان حاکی از این بود که تجربه رضای جنسی از طریق چت‌روم‌ها در اینترنت تجربه‌ای ناموفق است؛ به‌نوعی که سرخوردگی و عدم رضای واقعی را در پی داشته و افراد را از خویش بیگانه می‌سازد. پژوهش طالبی (۱۳۹۲) درباره پیامدهای هرزه‌نگاری در بزرگسالان نشان داد که

تماشای فیلم‌ها و عکس‌های پورن نه تنها شور و تمایل جنسی و صمیمیت را افزایش نمی‌دهد، بلکه به شیوه‌های گوناگون باعث تخریب رابطه عاطفی بین همسران می‌شود. تماشای فیلم‌های پورن در مردان با بی‌تفاوتی به زنان، بی‌ارزش تلقی کردن تک‌همسری، شک کردن درباره ارزش ازدواج و کاهش تمایل به فرزندآوری همراه است.

پژوهش حاجیانی و محمدزاده (۱۳۹۳) در خصوص تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر روابط زوجین، بیانگر این است که شبکه‌های اجتماعی بر روابط بین زوجین شهر تهران در چهار بُعد میزان رضایت از همسر، میزان رضایت از روابط جنسی، میزان رضایت از روابط خود و دسترسی به اهداف قبل از ازدواج رابطه مثبت دارد.

پژوهش عبداللهی و صداقت (۱۳۹۳) در بین زوجین مطلقه در شهر بوشهر در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ نشان داد که از نظر زوجین مطلقه، مهم‌ترین عامل گرایش به طلاق، رسانه‌ها، فیلم‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی است.

اسکندری و درودی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «بررسی ارتباط میزان استفاده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به طلاق و تعارضات زناشویی» به این نتیجه دست یافتند که هرچه میزان وابستگی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد، کیفیت روابط زناشویی زوجین به‌طور معناداری پایین‌تر است. این رابطه معکوس و معنادار در همه ابعاد تعارضات زناشویی شامل همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان، کاهش رابطه فردی با همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباطات مؤثر نیز وجود دارد.

شجاعی و همکاران (۱۳۹۶) آسیب‌های برآمده از فضای مجازی بر زوجین ایرانی را در دو مقوله فردی (مشکلات جنسی، روابط فرازناشویی، کاهش صمیمیت) و درون‌فردی (اعتیاد اینترنتی، تغییر در سبک زندگی، تزلزل در ارزش‌ها) شناسایی کرده و این آسیب‌ها را در مردان شدیدتر گزارش کرده‌اند.

رضاپور و همکاران (۱۳۹۶) مشاهده کردند که شبکه‌های اجتماعی با تأثیرات منفی روی روابط زوجین و احساس آن‌ها به یکدیگر و ازسویی دیگر با تقویت خودشیفتگی،

باعث مشکلات ارتباطی مختلف و کاهش احساسات مثبت زوجین به یکدیگر می‌شود. پژوهشی با عنوان «بررسی اعتیاد به اینترنت، میزان استفاده از پیام‌رسان‌های آنلاین و خیانت‌های اینترنتی به‌عنوان پیش‌آیند طلاق در زوج‌های در آستانه طلاق و مطلقه شهر اصفهان» توسط پیکانیان و فرهادی (۱۳۹۶) انجام شد. یافته‌ها نشان داد که بین اعتیاد به اینترنت و طلاق در زوج‌های در آستانه طلاق و مطلقه رابطه معناداری وجود دارد و اعتیاد به اینترنت پیش‌بینی طلاق در نمونه مورد نظر بوده است؛ درحالی‌که بین میزان استفاده از پیام‌رسان‌ها، خیانت‌های اینترنتی و طلاق در زوج‌های در آستانه طلاق و مطلقه رابطه معناداری وجود نداشت.

طریقی (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «بررسی تأثیر شبکه‌های در بروز پدیده طلاق» به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی و دنیای مجازی بر میزان طلاق و رضایت زناشویی زوجین ۲۵ تا ۴۰ سال در منطقه ۱۴ تهران پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دنیای مجازی بر رضایت زناشویی زوجین ۲۵ تا ۴۰ سال منطقه ۱۴، اثر معناداری دارد.

پژوهش کلاین^۱ (۱۹۹۹) حاکی از آن است افرادی که در معرض مصرف طولانی پورنوگرافی بودند، پس از چند هفته رضایت کمتری از عملکرد جنسی همسر خود، ظاهر و فیزیک او داشتند و محبت کمتری برای او نشان دادند. افراد اعم از زن و مرد پس از پورنوگرافی، پذیرش بیشتری از روابط جنسی قبل از ازدواج و خارج از آن پیدا می‌کنند و بی‌بندوباری را یک قاعده طبیعی می‌پندارند. همچنین تمایل به داشتن فرزند کم می‌شود؛ چون کودک هیچ جایگاهی در روابط کوتاه‌مدت جنسی و روابط براساس لذت جنسی ندارد.

پژوهش فرگوسن^۲ (۲۰۰۹) نشان داد که تماشای پورنوگرافی دیدگاه افراد را از رفتارهای جنسی طبیعی تغییر داده، تجاوز را کم‌اهمیت جلوه داده و باعث افزایش آن می‌شود و منجر به افزایش خشونت مردان علیه زنان می‌گردد.

1. Cline
2. Fergosen

نتایج تحقیقات آلن و اتکینز^۱ (۲۰۱۲) در تحلیل داده‌های پیمایش عمومی جامعه‌شناسی مربوط به مرکز تحقیقات دانشگاه شیکاگو نشان داد که خیانت جنسی احتمال وقوع طلاق را افزایش می‌دهد و بیش از نیمی از مردان و زنانی که خیانت جنسی داشته‌اند، از همسرشان جدا شده‌اند.

روحویی^۲ (۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر نگرش زوجین نسبت به تعارض زناشویی» نشان داد که شبکه‌های اجتماعی، منبعی برای فشار اجتماعی بر زوج‌های جوان است، هم در انتقال ارزش‌ها و هم در تحمیل ارزش‌ها، در اصول زندگی، الگوها رفتاری و تغییر رفتارها و نگرش‌هایی که نامطلوب هستند.

در پژوهش که توسط کلایتون^۳ و همکاران (۲۰۱۳) با هدف بررسی اثرات استفاده از فیس‌بوک بر روابط عاطفی با نمونه‌ای با حجم ۲۰۸ نفر از کاربران ۱۸ تا ۸۲ ساله انجام شد، نتایج بیانگر وجود ارتباط بین استفاده مفرط از فیس‌بوک و پیامدهای ارتباطی بود. محققان بر اثرات نامطلوب این رسانه بر افزایش نرخ طلاق و عوارض عاطفی نامطلوب آن تأکید نمودند.

والنزول^۴ و همکاران (۲۰۱۴) پژوهشی را با عنوان «شبکه‌های اجتماعی، کیفیت ازدواج و طلاق: پژوهش میدانی و شواهد ایالتی از ایالات متحده» به انجام رساندند. نتایج نشان می‌دهد که کاربرد شبکه‌های اجتماعی باکیفیت ازدواج و خوشبختی، ارتباط منفی و با یک تجربه مشکل‌دار و افکار طلاق، ارتباط مثبت دارد.

کلایتون (۲۰۱۴) در پژوهش خود درباره اثرات استفاده از توئیتر بر روابط زوجین، خیانت زناشویی و طلاق، به این نتیجه رسید که بین استفاده از این رسانه و احتمال گسست در روابط عاطفی و تشدید احتمال خیانت در روابط زناشویی رابطه وجود دارد.

جاکلین و جیسون^۵ (۲۰۱۴) در پژوهشی با هدف بررسی پیامدهای بالینی خیانت

1. Alen & Atkins
2. Rujoiu
3. Kelayton
4. Valenzuela
5. Jaklin & Jason

ایترنتی، به این نتایج دست یافتند که ایترنت موجب افزایش روابط و توسعه روابط غیرقانونی (اعتیاد جنسی و پورنوگرافی) می‌گردد.

فینچام و می^۱ (۲۰۱۷) در پژوهش خود به این نکته اشاره کردند که دسترسی به ایترنت در بافت کنونی به دو دلیل موجب افزایش احتمال روابط فرازناشویی می‌گردد. ۲۰ تا ۳۰ درصد از کاربران ایترنت با اهداف جنسی وارد شده و ۶۵ درصد آن‌ها که به دنبال ارتباط جنسی ایترنتی هستند، روابط جنسی خارج از ایترنت با شریک ایترنتی خود برقرار می‌کنند.

فرون^۲ و همکاران (۲۰۱۷) به این نتیجه رسیدند که هزینه‌نگاری در ایترنت و ارتباط فرازناشویی ایترنتی، تعدیل‌کننده ارتباط بین رضایت زوجی و جنسی هستند. به عبارتی، در صورت وجود هزینه‌نگاری و شرکای ایترنتی، کاهش رضایت زوجین با کاهش رضایت جنسی ارتباط پیدا می‌کند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان بیان نمود که بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده، با نگاهی روان‌شناختی رابطه بین دو متغیر نوع استفاده از شبکه‌های مجازی و گرایش به طلاق را مورد سنجش قرار داده‌اند؛ این درحالی است که پژوهش حاضر با رویکردی جامعه‌شناختی و با تکیه بر دیدگاه‌های نظری این حوزه به موضوع مذکور پرداخته است. همچنین تاکنون پژوهش علمی که تأثیر هزینه‌نگاری ایترنتی و روابط فرازناشویی بر گرایش به طلاق را در بین زنان متأهل قزوین مورد سنجش قرار دهد، انجام نشده است.

۴. روش‌شناسی

روش تحقیق مورد استفاده در پژوهش حاضر، براساس هدف تحقیق از نوع کاربردی و رویکرد آن کمی می‌باشد و براساس نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی است. همچنین این پژوهش از لحاظ میزان ژرفایی، پهنانگر بوده و از لحاظ زمانی نیز مقطعی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، تمام زنان متأهل شهر قزوین در نظر

1. Fincham & Mie

2. Fron

گرفته شده‌اند، که براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، ۱۳۴۵۹۱ نفرند. تعداد نمونه آماری پژوهش از بین زنان متأهل شهر قزوین با استفاده از جدول آماری مورگان، ۳۸۳ نفر محاسبه شد. همچنین روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی است؛ بدین صورت که پس از برآورد حجم نمونه کل، نمونه اختصاصی برای هرکدام از مناطق شهرداری شهر قزوین (۳ منطقه) به تناسب جمعیتشان محاسبه گردید. در این پژوهش برای سنجش متغیرهای تحقیق شامل استفاده از شبکه‌های مجازی در ابعاد روابط فرازناشویی مجازی و هزینه‌نگاری مجازی و طلاق، از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است که تمامی سؤالات آن‌ها در قالب طیف لیکرت و به صورت ۴ گزینه‌ای طراحی شده است. در این پژوهش، نوع اعتبار محتوایی و از نوع صوری می‌باشد؛ بدین معنا که برای ارزیابی اعتبار ابزار اندازه‌گیری از نظر اساتید برای بررسی فضای مفهومی استفاده شده است. برای برآورد پایایی ابزارهای اندازه‌گیری در این پژوهش نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب مذکور برای تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ بوده و لذا از لحاظ آماری مورد تأیید است (جدول ۱).

جدول (۱): ضریب پایایی متغیرهای پژوهش

ضریب	متغیر
۰/۸۷۹	هزینه‌نگاری اینترنتی
۰/۸۱۳	روابط فرازناشویی مجازی
۰/۸۸۳	گرایش به طلاق

۵. یافته‌های توصیفی

مطابق نتایج تحقیق، دارندگان مدرک دیپلم، معادل ۳۰/۳ درصد، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین پاسخ‌گویانی که دارای مدرک کارشناسی هستند، معادل ۲۷/۳ درصد، پاسخ‌گویانی که دارای مدرک کارشناسی‌ارشد و بالاترند، معادل ۲۴/۲ درصد، پاسخ‌گویانی که دارای مدرک فوق دیپلم هستند، معادل ۹/۱ درصد، پاسخ‌گویانی که دارای مدرک تحصیلی راهنمایی هستند، معادل ۷/۶ درصد، پاسخ‌گویانی که دارای مدرک

تحصیلی ابتدایی هستند. مطابق نتایج شغل اکثر پاسخ‌گویان، یعنی ۴۷ درصد آنان، خانه‌دار هستند. معادل ۲۸/۸ درصد کارمند و معادل ۱۶/۷ درصد دانشجو بوده‌اند. براساس یافته‌ها، معادل ۶۲/۱ درصد نمونه مورد بررسی به شیوه سنتی ازدواج کرده‌اند؛ معادل ۲۲/۷ درصد به روش فامیلی و معادل ۱۲/۱ درصد به روش مدرن ازدواج نموده‌اند. مطابق یافته‌ها میانگین سن پاسخ‌گویان برابر با ۳۵/۹۸ و انحراف معیار آن برابر با ۸/۹۸ و چولگی آن ۰/۱۷۹ و ماکزیمم آن برابر ۵۸ و مینیمم آن برابر ۲۱ و دامنه تغییرات آن نیز برابر با ۳۷ است. میانگین متغیر اختلاف سنی با همسر برابر ۴/۹۰ و انحراف معیار آن برابر ۳/۵۱ و چولگی آن برابر ۰/۴۸ و ماکزیمم آن برابر ۱۴ و مینیمم آن برابر ۰ و دامنه تغییرات آن نیز برابر ۱۴ است. مطابق نتایج، میانگین متغیر روابط فرازناشویی مجازی برابر با ۶/۲۸ و انحراف معیار آن برابر با ۱/۱۹ و چولگی برابر با ۶/۳۱ و ماکزیمم برابر با ۱۵ و مینیمم برابر با ۶ و دامنه تغییرات آن نیز برابر با ۹ بوده است. میانگین متغیر هزینه‌نگاری مجازی برابر با ۵/۴۰ و انحراف معیار برابر با ۱/۱۲، چولگی برابر با ۳/۲۴، ماکزیمم برابر با ۱۰، مینیمم برابر با ۵ و دامنه تغییرات نیز برابر با ۵ بوده است. میانگین متغیر طلاق برابر با ۱۹/۲۷، انحراف معیار برابر با ۱۱/۶۲، چولگی برابر با ۱/۸۸، ماکزیمم برابر با ۵۵، مینیمم برابر با ۱۱، دامنه تغییرات برابر با ۴۴ است.

۶. یافته‌های استنباطی

برای سنجش همبستگی بین متغیرهای مستقل پژوهش روابط فرازناشویی مجازی و هزینه‌نگاری اینترنتی با متغیر گرایش به طلاق در بین زنان متأهل از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون نشان داد که با توجه به سطح معناداری حاصل همبستگی بین دو متغیر روابط فرازناشویی مجازی و هزینه‌نگاری اینترنتی با گرایش به طلاق در بین زنان متأهل شهر قزوین در سطح معناداری، کمتر از ۰/۰۱ و با اطمینان ۹۹ درصد به لحاظ آماری معنادار بوده است. نوع رابطه نیز مثبت و مستقیم است (جدول ۲).

جدول (۲): آزمون همبستگی بین متغیر روابط فرازناشویی مجازی و گرایش به طلاق

گرایش به طلاق		متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۰	** ۰/۳۶۱	روابط فرازناشویی مجازی
۰/۰۰۰	** ۰/۳۴۳	هرزه‌نگاری مجازی

** معناداری در سطح ۰/۰۱

تحلیل رگرسیونی چندمتغیره

در پژوهش حاضر برای سنجش تأثیر متغیرهای مستقل بر گرایش به طلاق، از تحلیل رگرسیونی چندمتغیره استفاده شده است. هدف اصلی از این تحلیل، تبیین واریانس یا همان تغییرات متغیر وابسته است.

جدول (۳): آماره‌های تحلیل رگرسیونی چندمتغیره گرایش به طلاق

متغیر	بتا	کمیت t	سطح معناداری	آنالیز واریانس		ضریب همبستگی
				سطح معناداری	کمیت F	
روابط فرازناشویی مجازی	۰/۴۱۸	۳/۸۲۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۲۱/۷۶۹	چندگانه
هرزه‌نگاری مجازی	۰/۳۹۹	۳/۳۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		ضریب تعیین شده
						کمیت دوربین واتسون

بر اساس نتایج جدول فوق، رابطه متغیرهای مستقل و وابسته بر اساس جدول آنالیز واریانس یک‌طرفه، با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و چون این مقدار از ۰/۰۰۰ بزرگ‌تر است، مدل حاضر، مدل مناسبی است و متغیرهای مستقل این توانایی را دارند که تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. مقدار دوربین واتسون هم میزان آن ۱/۶۸ است و در واقع بین ۱/۵ تا ۲/۵ است؛ یعنی در این خطاها دارای استقلال هستند. ضریب تعیین تعدیل شده نیز برابر با ۰/۲۹۶ است و نشان می‌دهد که ۲۹/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (گرایش به طلاق) را متغیرهای مستقل یعنی روابط هرزه‌نگاری اینترنتی و روابط فرازناشویی اینترنتی تبیین می‌کنند. همچنین تأثیر متغیرهای مستقل حاضر در مدل

رگرسیون با توجه به کمیت t و سطح معناداری حاصل از نظر آماری معنادار است و نوع تأثیر نیز مثبت و مستقیم است.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

شبکه‌های مجازی به‌عنوان یکی از ابزارهای قدرتمند علاوه بر فراهم نمودن و تسریع برقراری ارتباطات و تعاملات اجتماعی در بین کنشگران، باعث به اشتراک گذاشتن خیل عظیمی از اطلاعات می‌شوند. بر این اساس، در عصر اطلاعات، فناوری ارتباطات به‌ویژه شبکه‌های مجازی در تمامی ابعاد قلمرو حیات بشری و به‌ویژه در نهاد خانواده تحولات عظیمی ایجاد کرده است که چه‌بسا تمامی این تحولات برای این نهاد ثمرات مثبتی نداشته، بلکه منجر به گسست و تلاطم عظیمی در بین اعضای خانواده و به‌ویژه زوجین شده است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر میزان گرایش به طلاق در بین زنان متأهل شهر قزوین انجام شد. مک لوهان در نظریات خود معتقد است که جوامع بشری تحت تأثیر ماهیت رسانه‌هایی هستند که در آن جوامع غالب‌اند. خنثی نبودن رسانه و تأثیر غالب رسانه بر هویت کاربران یکی از دستاوردهای مهم مارشال است. به نظر وی، مهم‌ترین اثر رسانه این است که بر عادات و تفکرات ما اثرگذار است. وی استدلال می‌کند که رسانه‌های هر عصر، ماهیت جامعه آن عصر را تعیین می‌کند و همچنین به تأثیرات شگرف فناوری بر الگوهای رفتاری و ساخت‌های اجتماعی اشاره می‌کند. در واقع این وسیله یا فناوری است که مقیاس، صورت، جامعه و اعمال انسانی را شکل می‌دهد و اداره می‌کند. در این میان، اینترنت از مهم‌ترین جلوه‌های پیشرفت فناوری بشر در حوزه اطلاعاتی و ارتباطاتی است. هابر ماس نیز در نظریات خود به مفهوم حوزه عمومی اشاره کرده و به بررسی تأثیر رسانه‌ها در تغییرات سیاسی و اجتماعی می‌پردازد. حوزه عمومی در واقع، ایده یا مفهومی هنجاری است که در چارچوب کلی نظریه هابر ماس درباره کنش ارتباطی و اخلاق گفت‌وگو جای دارد. از دیدگاه هابر ماس، حوزه عمومی بخشی از حیات اجتماعی است که در آن کنشگران می‌توانند به تبادل نظر درباره موضوعات و مسائل مهم مربوط به خبر عمومی بپردازند. نتیجه این امر،

شکل‌گیری افکار عمومی است. مقصود از حوزه عمومی، قبل از هرچیز قلمرویی از زندگی اجتماعی است که در آن، آنچه به افکار عمومی منجر می‌شود، می‌تواند شکل بگیرد. یکی از موضوعات مهم در حوزه عمومی، ابزارهای ارتباطی عمومی است. از دیدگاه هابرماس، از آنجاکه محدوده جامعه جدید، فقط امکان حضور فیزیکی تعداد به نسبت اندکی از شهروندان را امکان‌پذیر می‌سازد، رسانه‌های همگانی به نهادهای اصلی حوزه عمومی تبدیل شده‌اند. در صورت گسترده بودن حوزه عمومی، ارتباط و مفاهیم میان افراد، مستلزم ابزار معینی برای پراکنش و انتشار عقیده و اثرگذاری است. همچنین کازنو در نظریات خود به این نکته اشاره می‌کند که این اندیشه در نظر مردم رواج یافته است، وسایل ارتباط جمعی قدرتی فوق تصور داشته و می‌توانند افکار سیاسی و فلسفی افراد را دگرگون کنند؛ حتی تمامی رفتارها را هدایت کنند. در این صورت انسان‌ها خود به‌عنوان عاملی در راه حفاظت از موارد، هنجارها و قوانین جامعه تجلی می‌کنند و وسایل ارتباط جمعی سریع، قدرتمند و مؤثر در تأمین این منظور هستند. گیدنز در نظریه ساخت‌یابی خود معتقد است که شبکه اجتماعی محصول و مخلوق کنش معنادار آدمیان است و افراد خود چنین محیطی را خلق کرده‌اند. اما این محیط پس از شکل گرفتن محدودیت‌هایی را بر عاملان اعمال می‌کند. ساختار شبکه اجتماعی براساس بازتولید یا تکرار همان رفتار مداوم کنشگران دوام می‌یابد. افراد در رویارویی با شبکه اجتماعی برخلاف سایر رسانه‌های متعارف، صرفاً در رده تولیدکننده یا مصرف‌کننده قرار نمی‌گیرند، بلکه می‌توانند در صورت تمایل به‌طور هم‌زمان این دو نقش را داشته باشند و در آن به تولید و بازتولید پردازند. اما افراد در برخورد با این ساختار، میزان مشارکت و فعالیت متفاوتی دارند. در واقع هرچه افراد در مواجهه با شبکه اجتماعی، فعالیت و مشارکت بیشتری داشته باشند و هرچه این فعالیت بازتابانه‌تر باشد، در تولید معنا سهیم‌اند، اما هرچه افراد در مواجهه با شبکه اجتماعی فعالیت و مشارکت کمتری داشته باشند و هرچه این فعالیت غیربازتابانه‌تر باشد، در بازتولید معنا مؤثر است. می‌توان گفت نتیجه پژوهش حاضر مبنی بر معناداری رابطه بین متغیرهای روابط فراخانوشویی مجازی و هرزه‌نگاری

مجازی با گرایش به طلاق، با محتوای نظری فوق و بخشی از نتایج تحقیقات طریقی (۱۳۹۷)، پیکانیان و فرهادی (۱۳۹۶)، شجاعی و همکاران (۱۳۹۶)، رضاپور و همکاران (۱۳۹۶)، اسکندری و درودی (۱۳۹۵)، حاجیانی و محمدزاده (۱۳۹۳)، عبداللهی و صداقت (۱۳۹۳)، طالبی (۱۳۹۲)، ابراهیم پور و همکاران (۱۳۹۱)، ربیعی و رضانیا (۱۳۹۱)، فینچام و می (۲۰۱۷)، فرون و همکاران (۲۰۱۷)، والنزولا و همکاران (۲۰۱۴)، کلایتون (۲۰۱۴)، جاکلین و جیسون (۲۰۱۴)، کلایتون و همکاران (۲۰۱۳)، روجویی (۲۰۱۲)، فرگوسن (۲۰۰۹)، کلاین (۱۹۹۹) همسو بوده و لذا قابل کاربرد در جامعه آماری مورد بررسی است. درنهایت، با توجه به نتایج تحقیق، می‌توان پیشنهادات زیر را در راستای کاهش پدیده گرایش به طلاق ارائه نمود: پیشنهاد می‌گردد آموزش‌های لازم برای برخورد صحیح با فناوری از دوران کودکی به افراد داده شود؛ فرهنگ‌سازی لازم برای افزایش رشد و آگاهی بزرگسالان در مواجهه با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی انجام گیرد تا به تدریج ضعف سواد رسانه‌ای از بین برود؛ آموزش و توصیه‌های جنسی و بهداشتی مناسب زوجین توسط مشاورین مجرب به آنان ارائه گردد تا از بروز چنین پدیده‌های مخربی جلوگیری و یا در صورت بروز، مانع فروپاشی کانون خانواده شود.

منابع

- اسکندری، حسین، و درودی، حمید. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط میزان استفاده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به طلاق و تعارضات زناشویی. فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۵(۱۳)، ۲۳-۱.
- پوری، احسان، و عقیلی، سید وحید. (۱۳۹۰). تأثیر شبکه‌های مجازی بر ارتباطات بین فردی کاربران. فصلنامه فرهنگ ارتباطات، ۱(۳)، ۲۵-۴۴.
- پیکانیان، راضیه، و فرهادی، هادی. (۱۳۹۶). بررسی اعتیاد به اینترنت، میزان استفاده از پیام‌رسان‌های آنلایین و خیانت‌های اینترنتی به‌عنوان پیش‌آیند طلاق در زوج‌های در آستانه طلاق و مطلقه شهر اصفهان. فصلنامه پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۷(۱)، ۸۱-۸۹.

جعفری، رضا، آقاجانی، حسین، و مظاهری، امیرمسعود. (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر سبک زندگی بر نگرش به طلاق در بین زوجین مراجعه‌کننده به مراکز بهزیستی گیلان. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۷(۷)، ۳۹-۷۶.

حسینی، رضا، قدرتی، حسین، و امیرپور، مهناز. (۱۳۹۳). پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه شهر مشهد. فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۱(۴۲)، ۳۳-۴۹.

حکمت، شرمین، و فخرائی، سیروس. (۱۳۸۹). عوامل اجتماعی مؤثر بر شدت درخواست طلاق از سوی زنان شهرستان سردشت. فصلنامه زن و مطالعات خانواده، ۲(۷)، ۱۰۳-۱۲۰.

خداپاری، کلثوم، سعیدی، حمیده، و دانشور، فاطمه. (۱۳۹۳). میزان و نوع استفاده از شبکه‌های مجازی. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۲۱(۱)، ۱۶۷-۱۹۲.

سالنامه آماری (۱۳۹۷)، مرکز آمار ایران.

سدیدپور، سمانه، و زارعان، منصوره. (۱۳۹۵). فراتحلیل تحقیقات مربوط به طلاق: رویارویی عوامل فردی و اجتماعی. فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۷(۲)، ۱۹۱-۲۱۸.

شریفی، مرضیه، حاجی حیدری، مهناز، خوروش، فربرز، و فاتحی‌زاده، مریم. (۱۳۹۱). رابطه طرح‌واره‌های عشق و توجیه روابط فرازناشویی در زنان متأهل شهر اصفهان. مجله تحقیقات علوم رفتاری، ویژه‌نامه سلامت و روان، ۱۰(۶)، ۵۲۶-۵۳۴.

طریقی، ابراهیم. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی در بروز پدیده طلاق. دوفصلنامه مطالعات پلیس زن، ۱۲(۲۸)، ۸۸-۱۱۲.

عبداللهی، راشن. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل سازمانی مؤثر بر طلاق کارکنان ناجا. فصلنامه منابع انسانی ناجا، ۱۳(۵۷)، ۲۷-۴۴.

عبدالملکی، مریم، و اعظم آزاد، منصوره. (۱۳۹۳). بررسی کیفی روابط فرازناشویی. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۳(۲۴)، ۱-۲۰.

عدلی‌پور، صمد، قاسمی، وحید، و کیان‌پور، مسعود. (۱۳۹۲). شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی جوانان. فصلنامه مطالعات ملی، ۱۴(۴)، ۱۴۱-۱۶۴.

عنایت، حلیمه، زارع، صادق، و نجفی، عبدالله. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زودهنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر. فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۲(۳)، ۱-۳۵.

- قدرتی، شفیعه. (۱۳۹۵). احساس امنیت اجتماعی-اقتصادی زنان پس از طلاق و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۲(۸)، ۱۴۹-۱۸۳.
- مختاری، مریم، و ملک احمدی، حکیمه. (۱۳۹۶). هرزه‌نگاری و فراواقعیت (مطالعه کیفی تجارب کارکنان ایرانی در استفاده از محصولات هرزه‌نگاری). *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، ۱۰(۳۸)، ۷۱-۹۹.
- مروت، برزو، و دهقان، حسین. (۱۳۹۷). بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با روابط اجتماعی دانش‌آموزان. *فصلنامه علوم خبری*، ۷(۲۵)، ۱۰۳-۱۳۰.
- نشاط، الهه، فرقانی، محمدرضا، جمیلی، روزیتا، و رستمی، محمد. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر فرهنگ و باورهای دینی (هویت) کاربران، مطالعه موردی: کاربران استان اصفهان. *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، ۱۱(۲)، ۴۵-۷۲.
- هندی‌زاده، حکیمه السادات، نمازی‌فر، حسین، و عامری، مصطفی. (۱۳۹۵). بررسی فقهی-حقوقی طلاق و کالتی و طلاق صغیره. *فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۱۳(۴۶)، ۱۴۱-۱۵۶.
- Allen, E., S., & Atkins, D. C. (2012). The Association of Divorce and Extramarital Sex in a Representative U.S. Sample. *Journal of Family Issues*, 33(11), 1477-1493.
- Clayton, R.B. (2014). The Third Wheel: The Impact of Twitter Use on Relationship Infidelity and Divorce. *Cyber psychology, Behavior, And Social Networking*, 17(7), 89-123.
- Clayton, R. B., Nagurney A., & Smith, J. (2013). Cheating, breakup, and divorce: is Facebook use to blame?. *Cyberpsychology, Behavior, & Social Networking*, 16(2), 717-720.
- Cline, V. (1999). *Treatment and Healing of Pornographic and Sexual Addiction*. LDSR: Help Hope Healing.
- Ferguson, C. (2009). The pleasure is momentary...the expense damnable? The influence of pornography on rape and sexual assault. *Aggression and Violent Behavior*, 14(5), 323-329.
- Ferron, A., Lussier, Y., Sabourin, S., & Brassard, A. (2017). The role of Internet pornography use and cyber infidelity in the associations between personality, attachment and couple and sexual satisfaction. *Social Networking*, 6(1), 1-18.
- Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current Opinion in Psychology*, 13, 70-74.
- Jaclyn, D., & Jason, B. (2014). Clinical Implications of Internet Infidelity: Where Facebook Fits In. *The American Journal of Family Therapy*, 1-15.

Rujoiu, M. (2012). *The influence of social network on attitude toward conflict in couple*. (PhD Thesis) Babeş-Bolyai University.

Valenzuela, S., Halpern, D., & Katz, J. E. (2014). Social network sites, marriage well-being and divorce: Survey & state-level evidence from the United States. *Computers in Human Behavior*, 36(20), 94-101.

Investigating the Effect of Virtual Social Networks on the Tendency to Divorce among Married Women in Qazvin City

Mousa Saadati¹

Received: 03/12/2023

Accepted: 12/03/2024

Abstract

The family is a primary and vital social institution and an emotional unit, in which a person's identity is formed. The appropriate relationships within the society are determined based on the relationships within the family, and the more appropriate the relationships within the family are, the more stable and strong the society is. In this regard, the aim of the present study is to investigate the impact of social networks on the degree of tendency to divorce among married women in Qazvin city. The research method used in the present study is a descriptive survey and the statistical population of the present study includes all married women of Qazvin city in the number of 134,591 people, of which 383 people were selected as the final sample based on Cochran's formula. The data collection tool is a researcher-made questionnaire. In order to estimate the validity and reliability of the tool, face validity and Cronbach's alpha technique were used respectively. Also, the analysis of all the obtained information has been done with SPSS software. The results of the research showed that the correlation between the variable of virtual extramarital relations and virtual pornography with the variable of tendency to divorce was confirmed. The result of the multivariable linear regression analysis also showed that 29.6% of the changes in the dependent variable were explained by the variables of virtual extramarital relationships and Internet pornography.

Keywords: Social Networks, Virtual Extramarital Relationships, Internet Pornography, Propensity to Divorce.

1. Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran; m.saadati@soc.ikiu.ac.ir